

نورعلی نورزاد

ادبیات و سخنوران خجند

شهر خجند مقام و ارجی بس والا در طول تاریخ تاجیکان دارد شاید از نظر آن منزلت زیبایی طبیعی و خرمی آب و هوا بوده که به اسامی «طراز جهان»، «عروس دنیا»، «بهجت‌المآل»، «دلبرنده» و امثال اینها توصیف شده است. در همین خاک و سرزمین خوش آب و هوا بود که فضلا و ادیبانی بی‌شمار، اشخاص معتبر روحانی و عرفانی به سر برده و در کنار همین رود سیحون بود که بزرگانی را در دامن خود پرورد و به شهرت‌آباد بشریت گسیل نمود. در کنار ظهور شخصیت‌های ارجمندی چون ابو محمود خجندی- عالم و ستاره‌شناس معروف عهد سامانی، استاد طبیبان ناظرالدین ابن محمد خجندی، عارف و متفکر بی‌نظیر شیخ مصلح‌الدین خجندی، حاجی یوسف میرفیاض منجم و امثال اینها از مشرق بزرگان توده بزرگ شعرا برخاسته‌اند که ما امروز با اطمینان می‌توان آنان را نمایندگان برجسته ادبیات این حوزه ادبی نیرومند علمی و ادبی معرفی کرد.

تا سالهای اخیر پژوهش و تحقیق و معرفی ادبیات این حوزه و نمایندگان برجسته آن به طور مستقل صورت می‌گرفت و از سوی دیگر، اکثر پژوهشها در حوزه زندگی و آثار تنی چند از آنها محدود بود. اغلب کارهای انجام‌یافته به تحقیق روزگار و آثار کمال خجندی، کارنامه‌های ادبی آل خجند و سلسله شعرای قرن ۱۹ میلادی که ارادتمندان شعر میرزا عبدالقادر بیدل بوده و در تقویت و تحول مکتب پیروان ابوالمعانی در حوزه فرارود نقش مؤثر گذاشته‌اند، مربوط بودند. هرچند از جانب ادبیات‌شناس شادروان ایرگش‌علی شادی‌اف کتابی با نام «تذکره شاعران خجند» به نشر رسیده بود، اما در این اثر جمع سخنوران خجند و خجندی‌اصل وارد نشده‌اند که با همه ارزش والایی که این کتاب دارد، نتوانست نیازهای خواننده تاجیک را در رابطه با شعرای حوزه خجند حاصل نماید.

خوشبختانه تألیف «تذکره شعرای خجند» که به همت و اهتمام دانشمند فرزانه پرفسور عبدالمنان نصرالدین به انجام رسید، این خلاء را در رهگذر تاریخ ادبیات فارسی پر کرد. بایستی یادآور شد که قبل از آنکه این تذکره از جانب مرکز اسناد و خدمات پژوهشی جمهوری اسلامی ایران دو مرتبه با تجدید نظر به نشر رسد، از طریق انتشارات «نور معرفت» دانشگاه دولتی خجند با نام «دانشمندان و سخنسرایان خجند» در سال ۲۰۰۴ منتشر گردیده بود. نشر مجدد این کتاب سودمند در جمهوری اسلامی ایران با حروف نیاکان، قبل از همه برای معرفی این حوزه نیرومند ادبیات فارسی برای سایر ادب‌پژوهان فارسیگو و فارسی‌زبانان جهان راه را هموار کرد.

با مطالعه اثر معلوم می‌شود که مؤلف آن مهمترین روشهای سنتی تذکره‌نگاری فارس و تاجیک را ادامه داده، با تکیه بر مطالب منابع معتمد، آمیزش ادبیات فارسی، آشنایی با معلومات تذکره‌های ادبی در کشف صفحه‌های پررزم و راز ادبیات فارسی فرارود، معرفی شایسته چهره‌های ادبی که تا امروز محیط ادبی تاجیکستان و بیرون از آن با این شخصیت‌ها آشنایی کافی نداشتند، همت تمام گمارند. از این رو در تذکره طبق شیوه‌های خاص تذکره‌نویسی، نخست در باره سخنوران اطلاعات شرح حالی داده شده و بعداً به نمونه‌های اشعار این شاعران رجوع داده شده است. به تقاضای این روش تألیف، مؤلف می‌کوشد که مجموع اطلاعات مذکور خویش را بر اساس معلومات منابع و تذکره‌های دیگر تأیید نماید. این است که هر جا راجع به نمایندگان ادبیات این حوزه در کتب و منابع اصلی و تاریخی آمده است، با روش تحلیل و بررسی‌های علمی نقل می‌شود که می‌توان این پدیده را از مهمترین ارزش‌های علمی اثر نامزد کرد. زیرا با مطالعه تذکره، خوانندگان می‌توانند با اکثر مطالب مذکور در مأخذهای دیگر آشنایی یابند. مثلاً راجع به بحث انتساب اشعاری فراوان به صدرالدین خجندی و تعیین دقیق شخصیت صدرالدین شاعر از خاندان آل خجند ملاحظات سایر تذکره‌نویسان و دانشمندان را به محور مباحث علمی گرفته برای مقرر نمودن شخصیت واقعی صدر ادب خجند اهتمام وافر ورزیده‌اند. چنانکه مؤلف تذکره در ابتدای ذکر معلومات نخست به همین بحث دست ورود پیدا می‌کنند و برای کشف حقیقت ملاحظات جالبی اظهار

می‌نماید: «در صحت نسبت داشتن اشعاری که در منابع گوناگون به صدرالدین خجندی منسوبند، تردیدهایی وجود دارد. اصل این مشکل از آن خواست که چندین نفر از این خاندان عنوان‌های افتخاری صدرالدین داشته‌اند و ریاست مذهبی خجندیان اصفهان این عنوان افتخاری را به چندین نفر از آنها عطا کرده است.» (۱۷)

بعداً بحث تعیین شخصیت صدرالدین شاعر ادامه می‌یابد و مؤلف اندیشه‌های مؤلف نخست تذکره فارسی «لباب‌الالباب» محمد عوفی بخارایی، اندیشه‌های امین احمدی رازی در «هفت اقلیم» سید مصحح‌الدین مهدوی در «تذکره‌الغروب» و دیگران را مورد بررسی و نتیجه‌گیری علمی قرار داده، به دقیق نمودن مجموعه اشعار و مراسلات موجود در ادبیات فارسی و منسوبیت آنها به صدرالدین عبداللطیف خجندی موفق شده است. نقطه جالب آن است که از طریق تذکره مذکور خوانندگان تاجیک به آخرین سرچشمه معتمد که وجود مراسلاتی از این سخنور نامی را به ثبوت می‌رساند، کتاب «المختارات من الرسائل» آشنایی پیدا می‌کنند که به اهتمام دانشمندان ایرانی ایرج افشار و غلامرضا طاهر در سال ۱۳۷۸ منتشر گردیده است. کتاب مذکور اصلاً مجموع نامه‌ها یا مراسلات حکمای اصفهان و عراق عجم را فرا می‌گیرد که در این راستا نامه‌های صدرالدین خجندی هم مستثنی نیستند. چنان که مؤلف «تذکره شعرای خجندی» می‌نویسند: «خوشبختانه در این کتاب (المختارات من الرسائل-ن.ن.) نامه‌ای که صدرالدین خجندی در جواب نوشته (منظور در جواب نامه‌های ظهیرالدین بسطامی-ن.ن.)... نیز منتشر شده است. نامه که با نثر خاص سبک مراسلات با حفظ بلاغت و فصاحت به قلم آمده، از نثر شیوای صدرالدین خجندی حکایت می‌کند. در این نامه از ۱۴ بیت شعر فارسی نیز استفاده شده که به اعتقاد ایرج افشار این اشعار متعلق به صدرالدین خجندی است» (۲۰-۲۱).

بدین ترتیب، بررسی‌های علمی در تذکره از ویژگی‌های خاصی برخوردار می‌باشد که نگاه موشکافانه مؤلف را در تعیین حقیقت زندگی و ایجاد ادیبان حوزه ادبی خجندی و فرهیختگانی که از آب و خاک این دیار برخاسته‌اند، بازگو می‌کنند.

بر خلاف اکثر تذکره‌ها که بر اساس حروف الفبایی تدوین شده‌اند، مؤلف «تذکره شاعران خجندی» بیشتر معیار تاریخی را اولویت داده و شعرا را بر مبنای زمان زندگی دسته‌بندی نموده است. این است که تذکره با ذکر اطلاع راجع به صدرالدین خجندی آغاز

یافته، تا به برهان‌الدین خجندی می‌رسد که در مجموع تعداد عمومی شعرای مذکور در آن به ۷۶ می‌رسد.

شیوه نقد و بررسی که از ویژگیهای مهم تذکره‌نگاری است، در روش کار پرفسور عبدالمنان نصرالدین نیز ادامه یافته است. زیرا در اکثر موارد هنگام تأکید خصوصیت‌های شعری شعرا، نوعی ارزش دادن به مقام آن سخنور و جایگاه تألیفات وی در ادب فارسی مشاهده می‌شود. مثلاً ضمن ذکر گزارش در باره شاعری به نام احمد خجندی در کنار وجود معلومات در باره روزگار و آثار و نسخه‌های دیوان وی، نقد و نظر خویش را این گونه بیان می‌سازد: «از اشعار احمد خجندی معلوم می‌شود که در شعر دست توانایی داشته از سخنوران خوب شعر فارسی به سبک هندی بوده است. مضمون‌سازی و ابداعات عجیب شاعری او به طبع سالم و ذوق بالایش گواهی می‌دهد» (۱۲۲).

گاهی نیز نقد و نظر تذکره‌نویسان دیگر را نیز بر سبیل سند آورده‌اند که این امر نیز بر تقویت جنبه‌های انتقادی تذکره نقش مؤثر گذاشته است. مثلاً ضمن ذکر گزارش در باره هاتف خجندی بهای قاری رحمت‌الله واضح، مؤلف تذکره «تحفه‌الالباب» را در پیوستگی‌ها با نظر خویش چنین آورده: «از جمله شعرای نوجو و نوآور بود.» همین تذکره‌نویس آورده است که تصرفات خاص در اطوار جدید نموده... (۲۵۸).

توجه به آثار مرجع‌ها و سرچشمه‌های مورد استفاده در روش کار تألیف تذکره نشان می‌دهد که مؤلف برای تدوین چنین اثر ارزشمندی در کنار زحمات زیاد، مطالعات فراخ و گسترده انجام داده است. از جمله از فهرست تذکره معلوم می‌گردد که در کنار آمیزش تذکره‌ها، آثار تاریخی و پژوهشی، مؤلف توانسته است از مواد بیش از ۲۰ نسخه خطی و چاپی بیاض شعرا استفاده نماید که در کتابخانه‌های بزرگ تاجیکستان و بیرون از آن قرار دارند. استاد نصرالدین‌اف نیز در همین راستا توانسته است از مواد بیش از ۱۰۰ آثار دست اول تاریخی و پژوهشی استفاده نماید.